

به نام خدا



جزوه آموزش رایگان آقای حمید طبسی

هدف: آموزش یک ستاپ معاملاتی محبوب ICT برای حل مشکل پاس پراپ

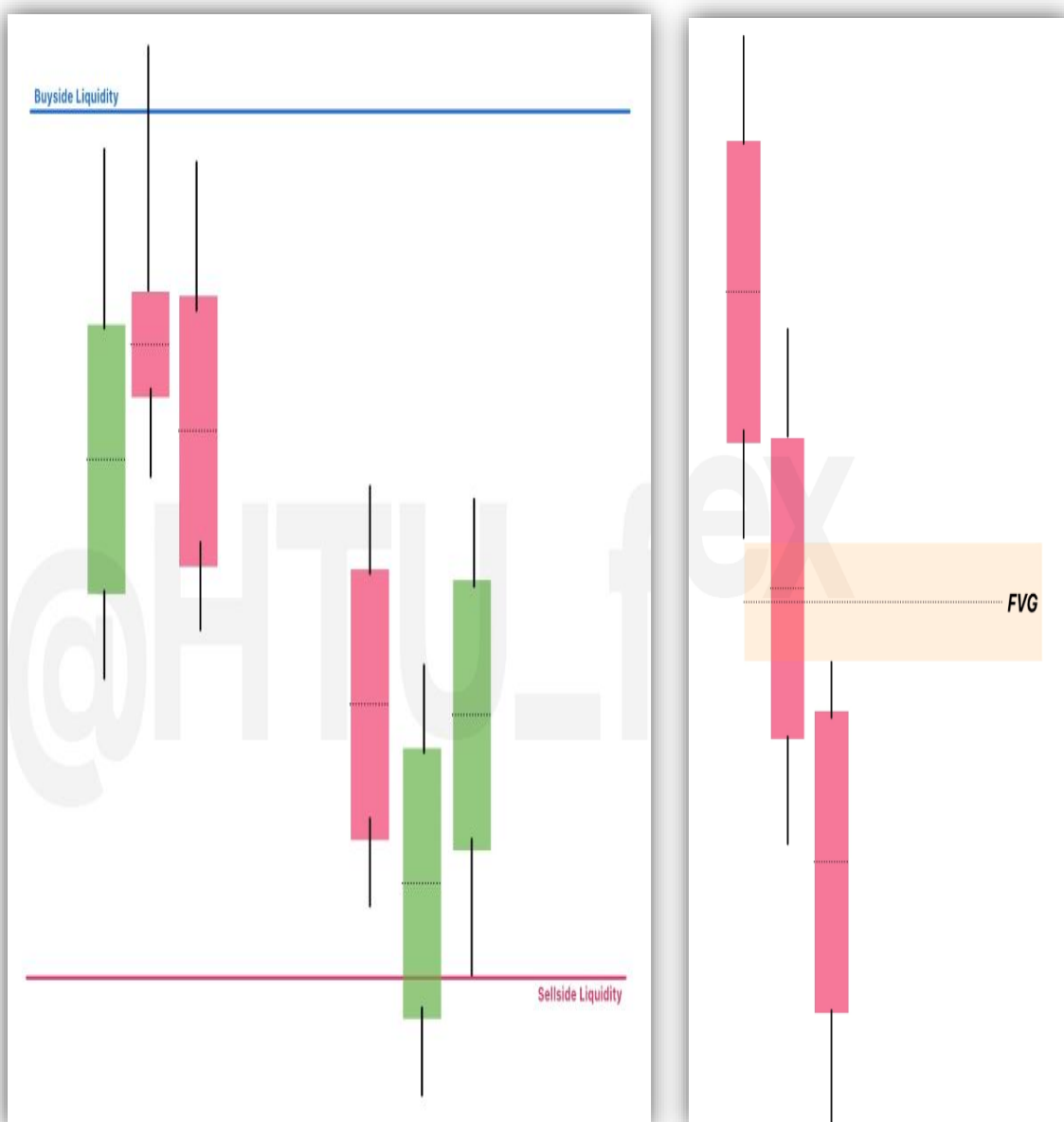
این امر مستلزم نظم و عملکرد مطابق آموزش میباشد

جلسه اول:

اولین قدم برای فهم عملکرد صحیح در مارکت فهمیدن جهت حرکت قیمت میباشد. که برای فهمیدن جهت حرکت به دو رکن توجه میکنیم:

۱. حرکت به سمت Buyside Liquidity و Sellside Liquidity

۲. حرکت کردن به سمت FVG ها



لیکوئیدی بحث بسیار گسترده ایست و برای درک جامع آن زمان زیادی لازم است اما در این زمان کم چیزی که ما به آن احتیاج داریم برای اجرای صحیح ستاپمان مفهوم "سقف و کف" با یک تعریف ساده می باشد.

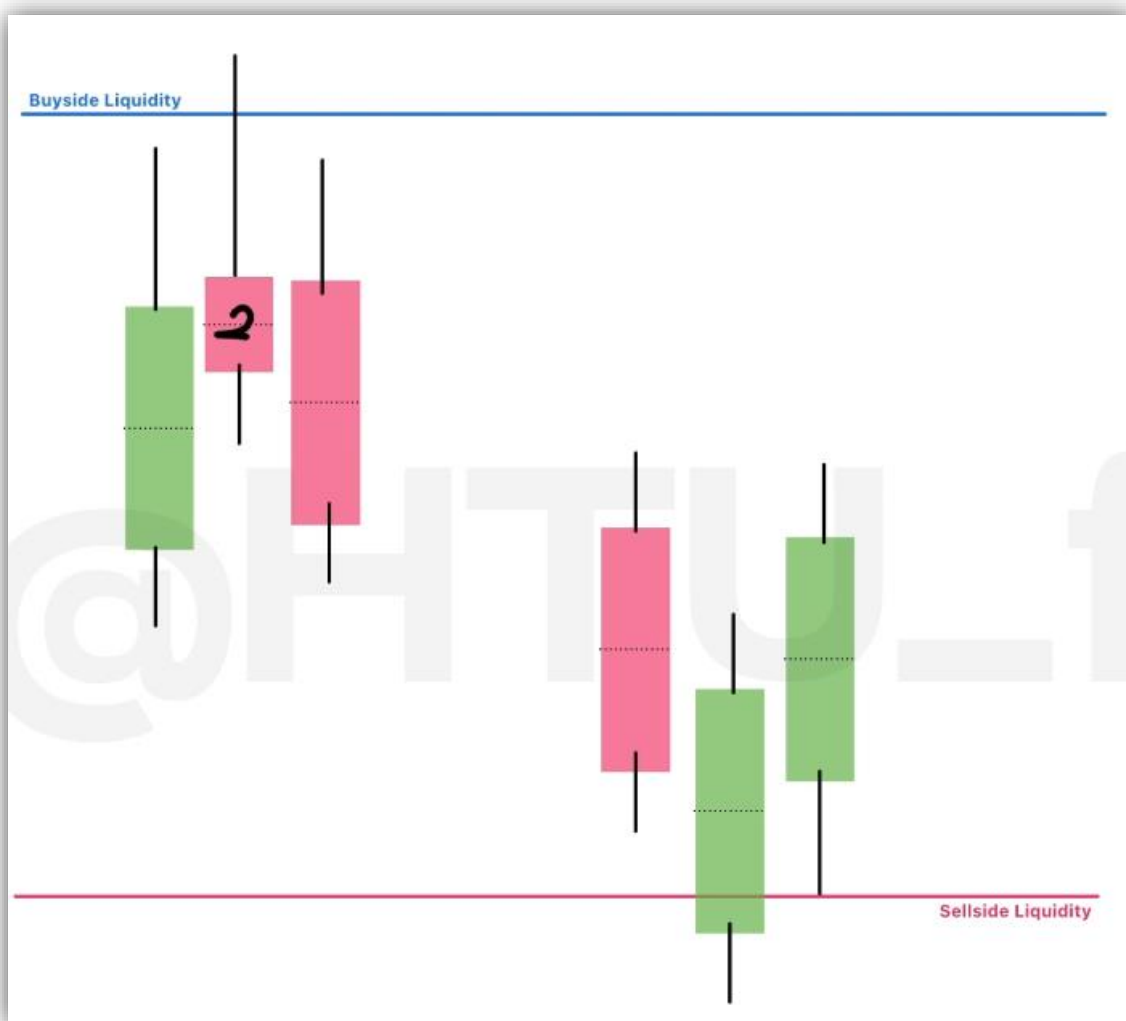
سقف و کف چیست؟

برای فهمیدن سقف و کف درست به دانستن موضوع فرکتال سه گانه نیاز داریم.

فرکتال سه گانه:

برای تشخیص سقف ولید و معتبر به سه کندل نیاز داریم با فرمیشنی ساده که در آن کندل وسط یا شماره دو بتواند بالاترین های و سقف را به نسبت کندل ماقبل و کندل مابعدش ثبت کند. اگر این شرایط محقق شد میتوانیم بگوییم الگوی فرکتال سه گانه وجود دارد پس آنجا سقف دارم یا اصطلاحاً سوئینگ های دارم.

(برای کف برعکس می باشد) مطابق شکل زیر:



سوئینگ "های/لو" به چه کار ما می آید؟

در تعریف ساده و پیش پا افتاده نقدینگی ها میتوان گفت: مارکت میکر که یک هوش مصنوعیست استاپ لاس معامله گران را پشت سوئینگ سقف و کف شناسایی میکند که این سقف و کف ها همان کف و سقف هایبست که در فرکتال سه گانه شناسی میکنیم و در مورد آن صحبت کردیم.

✓ به الگوی فرکتال سقف سه گانه Buy Side Liquidity یا BSL میگوییم.

✓ به الگوی فرکتال کف سه گانه Sell Side Liquidity یا SSL میگوییم.

وقتی یاد گرفتیم BSL و SSL چیست و توانستیم تشخیص دهیم پشت کف و سقف آنها نقدینگی وجود دارد و استاپ لاس خرده تریدرها پشت آنها قرار گرفته میتوانیم اولین قدم برای تشخیص جهت حرکت مارکت را برداریم. هدف مارکت میکر آن است که به سمت استاپ لاس ها حمله کند و آنها را مصرف کند و تغییر جهت دهد.

همیشه مارکت در موقعیت BSL یا SSL نیست و در موقعیت حالت دوم (FVG) هم ممکن است باشد.

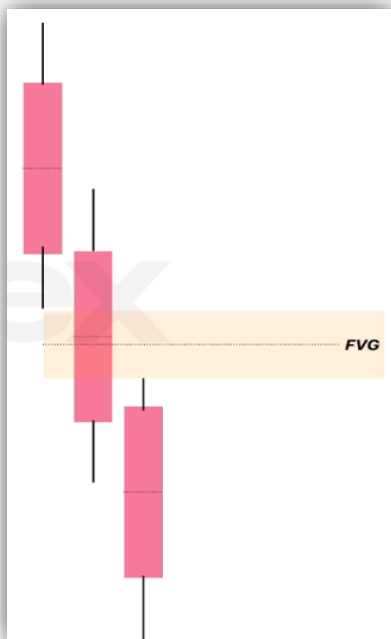
حالت دوم به تشکیل FVG منجر میشود.

چه در حالت نزولی و صعودی به سه کندل احتیاج داریم.

در حالت نزولی اگر بین لوی کندل اول و های کندل سوم فضای خالی وجود داشته باشد FVG تشکیل شده است (مطابق شکل روبه رو)

اگر های کندل سوم اجازه نمیداد فضای خالی ای تا لوی کندل اول بوجود آید FVG نداشتیم.

یکی از رفتارهای دیگر قیمت این است که به سمت پر کردن FVG ها حرکت کند. این یعنی مارکت میکر علاقه مند است فضای خالی بین کندل ها را پر کند.



اینکه کدام fvg ها پر میشوند یا نمیشوند؟ چند مدل fvg داریم؟ چه موقع انتظار پر کردنشون را داشته باشیم؟ یا از کدام سطح انتظار واکنش داشته باشیم؟ مباحث خیلی پیشرفته است و در این آموزش نمیگنجد.

جلسه دوم:

نحوه استفاده از BSL و SSL و FVG در خوانش مارکت:

BSL و SSL و FVG به ما کمک میکند تا رگت حرکت قیمت را بر اساس استاپ لاس هایی که مورد توجه مارکت میکر است تشخیص دهیم. به طور مثال:



در نمودار بالا قیمت به ۵۰ درصد ناحیه FVG سبز رنگ برخورد کرده و به سمت یک BSL حرکت کرده است. بعد از مصرف BSL ناحیه زرد رنگ اول که یک FVG در تایم پایین تر است را هدف قرار داده است و یک BSL دیگر ایجاد کرده است و هدف واکنش از FVG همان BSL بوده است و همین مسئله دوباره تکرار شده است و این چرخه قرار است در تایم فریم های مختلف تکرار و تکرار شود.

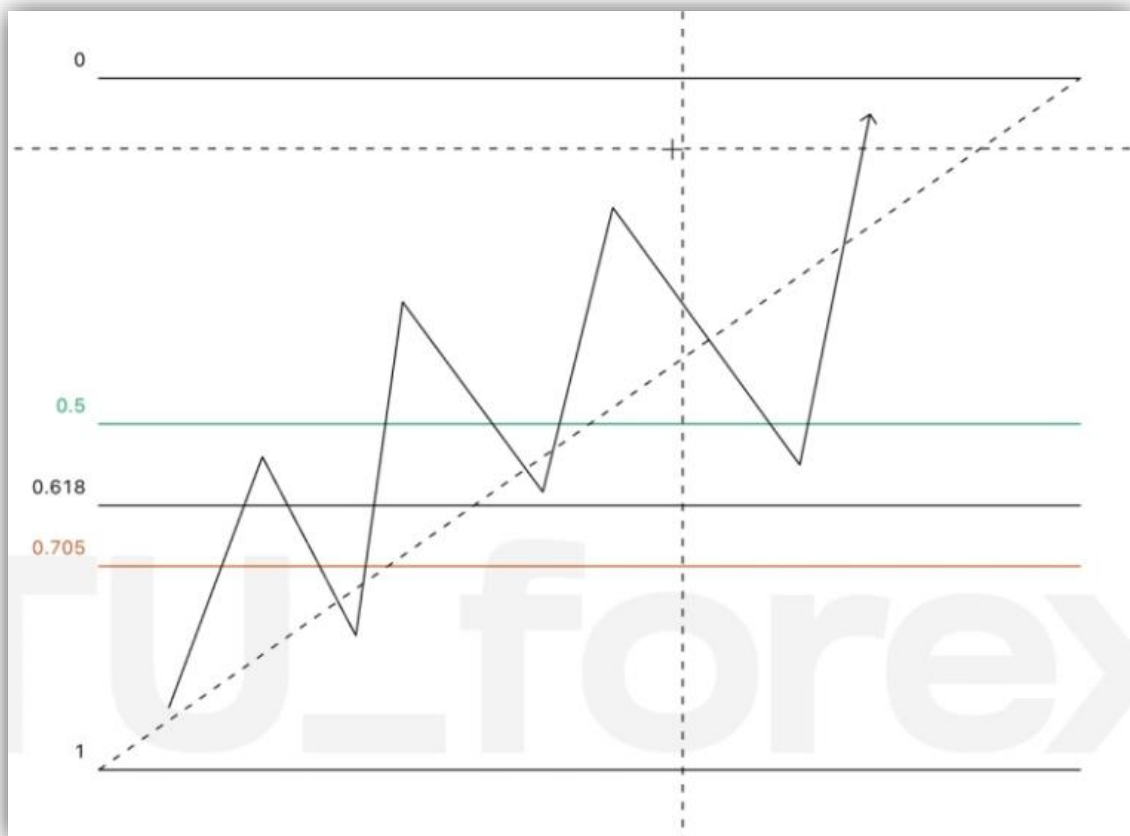
خیلی از تریدرها مبحث بایاس گیری را بر همین اساس انجام میدهند.

سوال اصلی: در ستاپ ما این مفاهیم چطور معنی پیدا خواهند کرد؟

داخل ستاپ ما تایم معاملاتی مشخصی قرار دارد که قراره در آن تایم فقط معامله کنیم. که اگر ما داخل آن تایم جهت را ندانیم بین آرایه های مختلف گیر میکنیم و نمیدونیم باید سل بزنیم یا بای، یا اینکه از FVG صعودی استفاده کنیم یا نزولی.

یک دیدگاهی برای مارکت میکر وجود داره که اگر درکش کنیم میتونیم دیدگاهمون رو مشابه مارکت میکر کنیم. لازم است توجه کنیم که همه ما دوست داریم در پایین ترین قیمت محصولی رو بخریم و برای فروش هم تمایل داریم در بالاترین قیمت بفروشیم و این قضیه برای مارکت میکر هم صادق است.

در کنار آن معضل بزرگی که در معاملات تریدرها وجود دارد این است که، داخل لگ حرکتی قیمت به قصد مصرف نقدینگی ها، ده ها آرایه وجود دارد و نمیدانند روی کدام یک معامله کنند. در این وضعیت دیدگاه آرایه پرمیوم/ دیسکانت مطرح میشود که با ابزار فیبوناچی تنظیمات لول ها را انجام میدهیم.



این آرایه بیان میکند زیر ۵۰ درصد ناحیه دیسکانت است و مناسب برای بای زدن است و بالای ۵۰ درصد ناحیه پرمیوم (ناحیه گران) تمایلی برای خرید نداریم مگر در موارد خاصی که در دیدگاه پیشرفته بررسی میشود (در موقعیت بای زدن). و برای سل زدن برعکس همین مسئله صدق میکند.

پس وقتی می‌خواهیم ستاپمان را بررسی کنیم لازم است توجه کنیم در چه سیکلی قرار داریم. در ناحیه پریمیوم قرار داریم یا ناحیه دیسکانت. صرف وجود OB و FVG و غیره دست به معامله نمی‌زنیم. در فیو پریمیوم/ دیسکانت یک حد فاصلی مشخص شده است بین لول 0.618 و 0.705 که اصطلاحاً به آن ناحیه (OTE) (Optimal trade Entry) می‌گوییم که در واقع بهینه ترین نقطه ورودیست که مارکت می‌کر می‌تونه بهش برگرده و از اون اردر های اصلیش رو فعال کنه برای رسیدن به تارگت های نقدینگی جدید.

* مورد بعدی که لازم است به آن دقت کنیم بحث حیاتی و کاربردی تایم است.

تایم چیست؟

تایم به چند بخش و سشن تقسیم می‌شود. اولین سشن آسیا، دومین لندن و سومین نیویورک (به Dead zone و PM Session کاری نداریم) فقط در نظر داشته باشید داخل تمامی سشن هایی که معامله می‌کنیم دو سشن برامون اولویت است. اولی لندن که حدفاصل ۲ الی ۵ در نظرش می‌گیریم و سشن نیویورک که حدفاصل ساعت ۷ الی ۱۰ در نظرش می‌گیریم. ستاپ ما در این دو تایم یک فیلتر می‌خوره و در آن زمان ها بررسی خواهد شد که مبنای زمانی utc-4 نیویورک میباشد).

مورد بعدی که لازم است توجه کنیم این است که از کجا بفهمیم هدف بعدی نقدینگی ما کجاست؟ تایم فریم معاملاتی ما در ۱ دقیقه میباشد و میتوانیم از تایم فریم ۵ دقیقه و ۱۵ دقیقه برای تارگت های قیمتی استفاده کنیم و احتیاجی به تایم فریم های بالاتر نیست زیرا قصد معامله طولانی مدت نداریم. مثال:



در مثال پس از مصرف سل ساید لیکوئیدیتی در تایم فریم ۵ دقیقه نقدینگی های بای ساید در مقابل برای تارگت معاملاتی در نظر گرفته میشوند.

جلسه سوم: کانفرمیشن (مهمترین بخش)

رکن مهمی از ستاپ ما کانفرمیشن است و اساس معامله گریمان را شکل میدهد و به صورت مجزا میتواند یک نوع ورود و ستاپ باشد.

در جلسات اول در مورد بای ساید لیکوئیدیتی و سل ساید لیکوئیدیتی صحبت شد و بیان شد که قیمت بین این دو نوع نقدینگی حرکت میکند و یا fv_g ها را پر میکند (دو نوع حرکت قیمتی داریم).

سوال مهم: چطور مطمئن شویم زمانی که بای ساید لیکوئیدیتی یا سل ساید لیکوئیدیتی مصرف میشود میتوانیم در خلاف جهت آن وارد معامله شویم بدون استرس و وسواس به اینکه سطح پاکسازی شده دوباره هانت میشود و لول های بالاتر یا پایین تری را میبیند یا خیر؟

پاسخ: با استفاده از تائیدیه مارکت استراکچر شیفت

مارکت استراکچر شیفت (MSS): تغییر ساختار مارکت از صعودی به نزولی و از بالعکس را MSS گویند. برای اینکه مطمئن شوید یک Valid MSS دارید ابتدا باید بریم سراغ سوئینگ High و Low یی که یاد گرفتیم (الگوی فرکتال سه گانه).

{یادآوری: الگوی فرکتال سه گانه میگفت در حالت صعودی از سه کندل، کندل میانی بالاترین های را نسبت به کندل قبل و بعد و در حالت نزولی از کندل میانی پایین ترین لو را نسبت به کندل قبل و بعد ثبت کند}



بعد از شناسایی سوئینگ های و لو (بای ساید لیکوئیدیتی و سل ساید لیکوئیدیتی) و مصرف آنها توسط قیمت در گام حرکتی ای که به نقدینگی رسیده است نیاز به یک سوئینگ لو intermediate در حالت صعودی یا یک سوئینگ های intermediate در حالت نزولی داریم (با هایلایت نارنجی در تصویر بالا سوئینگ که در موردش صحبت میکنیم مشخص شده است).

: Intermediate low/high

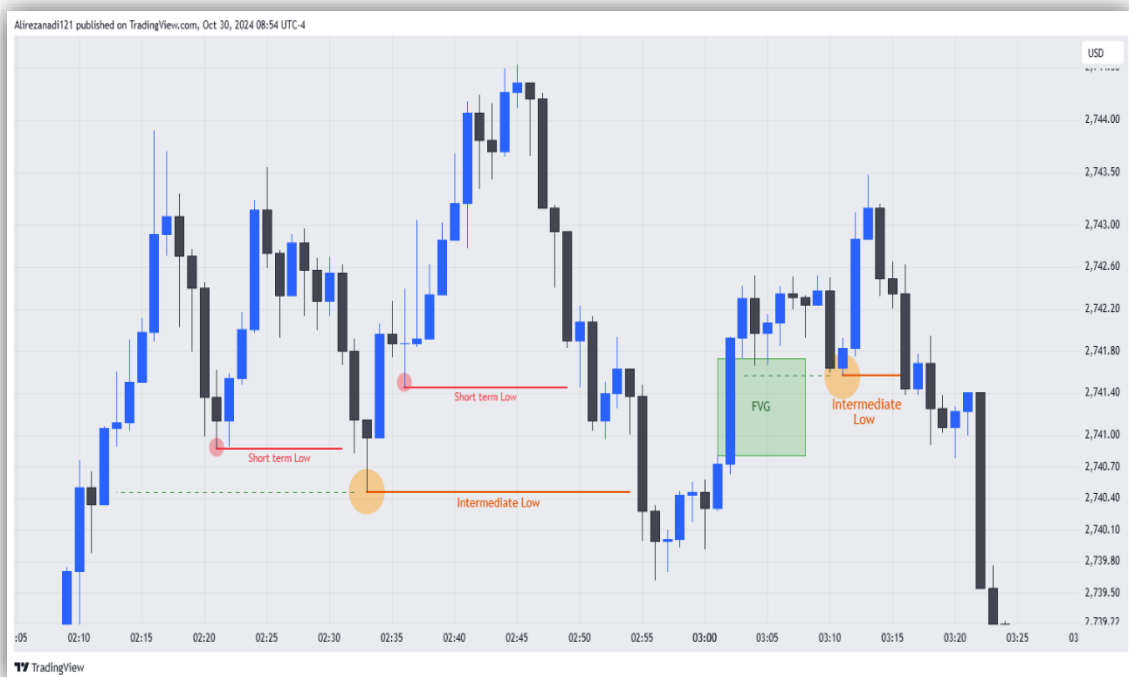
✓ اگر کف یا سقفی داخل یک FVG تشکیل شود intermediate است.

یا

✓ اگر سوئینگ کفی قبل و بعد از خود (بالتر از خود) سوئینگ کف داشته باشد آن کف intermediate است.

اگر سوئینگ سقفی قبل و بعد از خود (پایین تر از خود) سوئینگ سقفی داشته باشد آن سقف intermediate است.

(به سوئینگ های قبل و بعد سوئینگ intermediate، سوئینگ Short term میگوییم)



شرط دیگری که کمک میکند نسبت به پاکسازی سطح نقدینگی اطمینان پیدا کنیم و نشانه ورود پول هوشمند توسط مارکت میکر میباشد Displacement (در شکست سوئینگ Intermediate).

: Displacement

مثال مایکل: فرض کنید یک استخر بادی مخصوص خردسالان داریم و یک فیل درون آن شیرجه میزند. چه اتفاقی برای آن میافتد؟ قطعاً منفجر میشود. که باید این پدیده را داخل قیمت مشاهده کنیم.

Displacement دو حالت دارد:

۱. کندل های هم رنگ متوالی (Consecutive Candles)

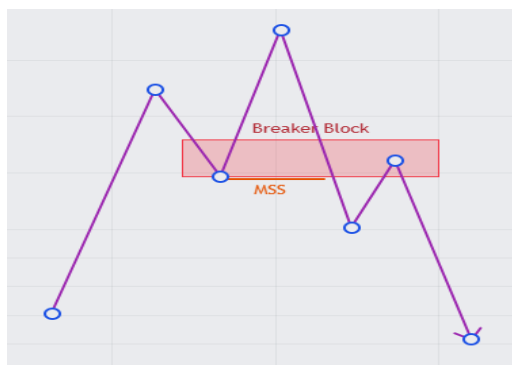
۲. کندل های فول بادی و تشکیل دهنده FVG (Full Body Candles)

نکته بسیار مهم:

درست است که بعد از MSS در جلسات قبلی گفتیم از آرایه پرمیوم/دیسکانت برای مشخص کردن نواحی معاملاتی استفاده کنید که در نواحی مناسب معامله انجام دهید اما در خیلی از موارد قیمت به نواحی مناسب پرمیوم/دیسکانت نمیرسد و با یک اصلاح کوچک حرکتش را شروع میکند. اینجاست که این نکته مسیر معامله گری شما را تغییر میدهد و میتواند ورود های شما را فیلتر کند و آن چیست؟

• انواع ریورس در مارکت تنها دو نوع میباشد:

۱. ریورس بریکر بلاک (BB)



اگر قیمت بخواهد به این صورت عمل کند در جایی که به دنبال MSS هستید اگر بریکر بلاکی تشکیل داده باشد قیمت اولویت اولش رسیدن به بریکر بلاک و ریزش تا نواحی نقدینگی مقابل است (نقدینگی ای که باید سریع جمع آوری شود).

۲. ریورس (FS) Failure Swing



(در شکل سمت چپ چون کف شکسته شده در مسیرش جمع آوری نقدینگی نداشته بریکر بلاک ندارد) فیلیر سوئینگ یعنی تشکیل LRLR و چون سقف مابعد آخر پتانسیل زدن سقف آخر رو نداره بهش میگویند فیلیر سوئینگ. و در این حالت میتونیم از آرایه پرمیوم/ دیسکانت استفاده کنیم. نکته بسیار مهم: جایی که باید دنبال SMT درست بگردیم در ریورس فیلیر سوئینگ میباشد و در جاهای دیگر مثل شدو های تو در تو نباید دنبال SMT بگردیم.

جلسه سوم (اصلاحیه):

مثال ها:

۱.



جمع آوری یک بای ساید لیکوئیدیتی در تایم فریم ۱۵ دقیقه. سپس انتقال به تایم فریم یک دقیقه. اولین کار پیدا کردن سوئینگ intermediate لو



در تایم یک دقیقه یک لوی intermediate از نوعی که سمت چپ و راست شورت ترم لو (هایلایت آبی) دارد پیدا کردیم که با شکست آن MSS اتفاق افتاد (حرکت پر قدرت کندل قرمز نشان دهنده دیسپلیسمنت میباشد). بعد از شکست میبینیم که FVG بزرگی تشکیل شده است و میتوانیم با استفاده از آرایه پرمیوم/دیسکانت ورودمون رو انجام بدیم.

لازم به ذکر است که بیان شد یا قیمت به صورت فیلپیر سوئینگ ریورس میکند یا به صورت بریکر بلاک.
 {نکته: از کجا بفهمیم قرار است از بریکر بلاک واکنش اتفاق بیافتد یا فیلپیر سوئینگ شود؟
 پاسخ: اگر قیمت بخواهد از بریکر بلاک واکنش دهد حتماً بریکر بلاکش را تشکیل میدهد و اگر میبینید بریکر بلاکی نساخته پس قصدش ریزش به صورت فیلپیر سوئینگ است.}



در تایم فریم پنج دقیقه طبق تصویر بالا قیمت موفق به شکست سوئینگ لو دیگری شده است و واکنش خود را به بریکر بلاک MSS سطح پایین تر نشان داده است.



بهینه کردن بریکر بلاک در تایم فریم ۱ دقیقه نسبت به MSS پایین تر و یک ورود و استاپ لاس جذاب.

نکته:

هیچ نگرانی برای از دست دادن
پوزیشن مقابل نداشته باشید
(به خاطر واید بودن ناحیه fvg
و ...).
مارکت دوباره به ما ورود خواهد
داد.
فقط کافیست نکات را ملکه ذهن
خود کنید و به تسلط کامل
برسید.



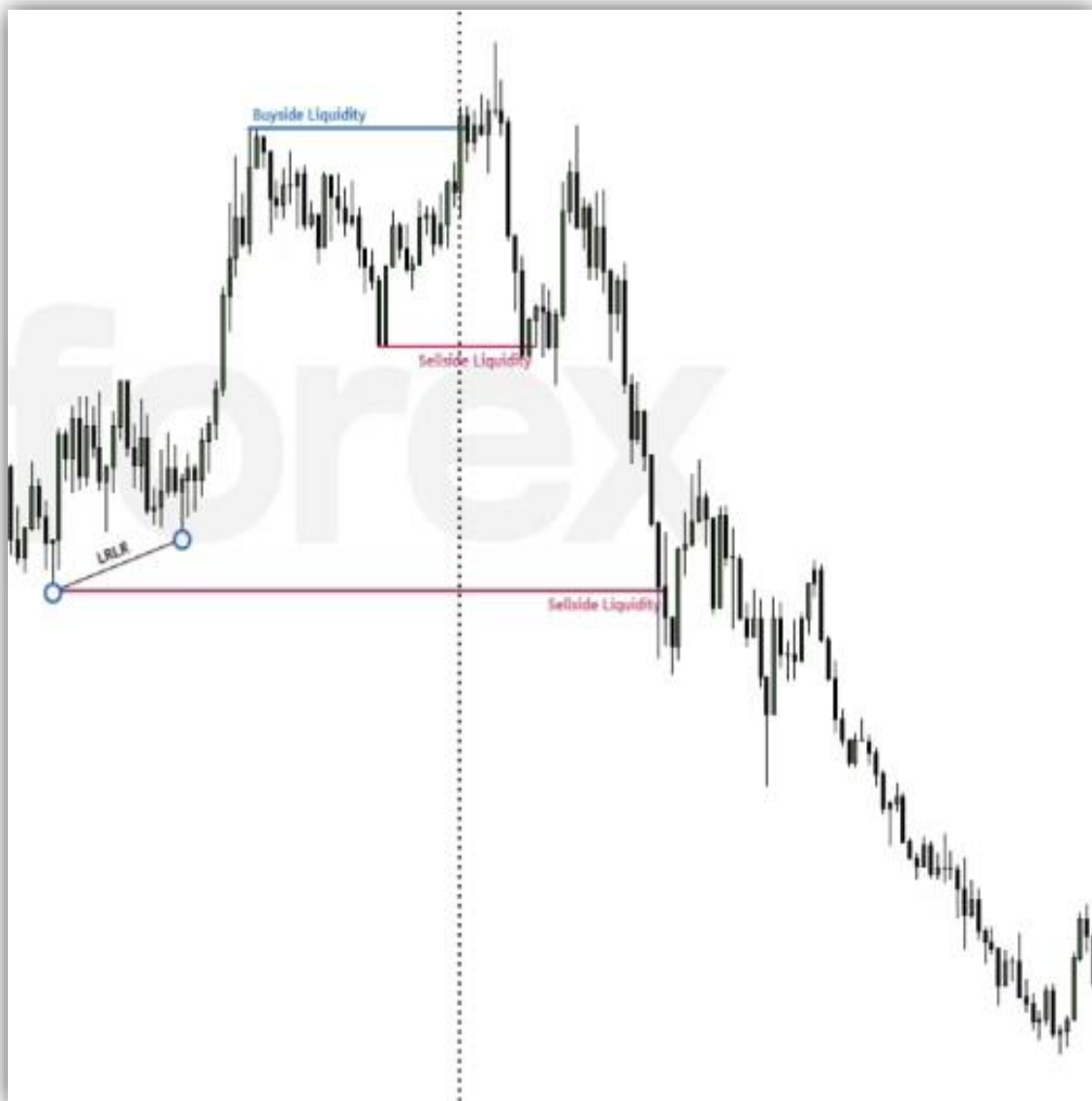
به طور مثال اگر معامله بالا را نگرفتید با توجه به تصویر زیر میتوانستیم ورود بعدی را داشته باشیم:



معامله روی بریکر بلاک پس از MSS و مشاهده دیسپلیمنت عالی با وجود بریکر بلاک واضح.

مثال ۱۶ اکتبر :

(EUR/USD)



در تایم فریم ۵ دقیقه یک بای ساید لیکوئیدی جمع آوری شده و تارگت های حرکتی قیمت با توجه به سل ساید لیکوئیدی ها مشخص است.

{LRLR : به نقدینگی هایی که تشکیل دو/سه کف یا دو/سه سقف در نزدیکی هم دیگه و یا تشکیل ترند لاین میدهند Low Resistance Liquidity Run میگوئیم (نوع نقدینگی ای که ضعیفه و در مقابل قیمت نمیتونه مقاومت کنه و به زودی شکسته میشه)}

پس تارگت اول و دوم سل ساید لیکوئیدیتی مشخص است.

برای ورود، تاییدیه پاکسازی سطح نقدینگی باید با MMS در تایم یک دقیقه گرفته شود.

تایم فریم یک دقیقه:



بررسی میکنیم بعد از جمع آوری بای سایید لیکوئیدیتی MMS تایید شده داریم یا نه:

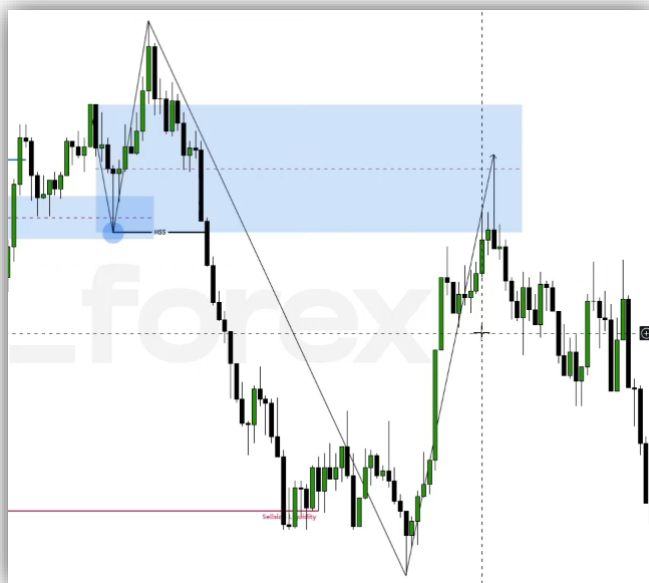


کفی که مشخص شده داخل FVG میباشد پس intermediate میباشد. با عبور قیمت از آن کف بررسی میکنیم آیا MSS تایید میشود یا نه؟ آیا نشانه ای از دیسپلیسمنت دیده میشود (کندل های متوالی / کندل های فول بادی) که این نشانه ها وجود ندارد و MSS ما تایید نمیشود.

پس به دنبال کف intermediate بعدی میگردیم:



سطح بعدی در تصویر بالا مشخص شده است. این کف هم داخل fvg میباشد و هم قبل و بعد خود سوئینگ کف شورت ترم دارد. سپس دیسپلیسمنت را بررسی میکنیم که هم کندل های فول بادی قابل مشاهده میباشد و هم کندل های متوالی. پس MSS ما تایید شده است. حال بررسی میکنیم که از کدام نوع برگشت خواهد بود (فیلیپر سوئینگ/بریکر بلاک). که بریکر بلاک به شکلی شفاف تشکیل شده است و ورودمان را از روی آن انجام میدهیم.



سه نقطه بریکر بلاک و اردر بلاک برای

ما اهمیت داره:

۱. قیمت Low

۲. قیمت Open

۳. Mean Threshold یا ناحیه ۵۰ درصد

در اینجا ما میتوانیم نقطه ورودمون را روی این سه قرار دهیم ولی توصیه این است که به خاطر دو سه ریوارد بیشتر موقعیت معاملاتیان را از دست ندهید و ورود را روی همان Low قرار دهید.

مثال ۱۵ اکتبر (EUR/USD):



در تصویر در تایم فریم ۵ دقیقه جمع آوری یک بای سایید لیکوئیدیتی مشهود است و تارگت حرکتی قیمت به سمت سل سایید لیکوئیدیتی مشخص است و نشان داده شده است. پس از جمع آوری نقدینگی سقف به دنبال سوئینگ intermediate میگردیم و ورود خود را انجام میدهیم.

نکته: گاهی نقدینگی هدف (در مثال سل سایید لیکوئیدیتی) خود یک سوئینگ intermediate برای تایم فریم بالاتر است (قبل و بعد خودش کف شورت ترم دارم) و میتواند دوباره قیمت را به سمت خودش جذب کند و حرکت بعدی از آن صورت گیرد (در اینجا بریکر داریم و قیمت به بریکر آن باز خواهد گشت) که این اشاره به فرکتالی بودن مارکت دارد. در نتیجه به خاطر جا ماندن از معامله ای نیازی به افسوس خوردن نیست.



ریوارد ورود در بریکر بلاک تایم بالاتر ۹ (از میدلاین بریکر) میباشد که یک ریوارد عالی در تایم فریم ۵ میباشد.

بریم سراغ معامله در تایم فریم یک دقیقه:



کف intermediate ای داریم که قبل و بعد خودش کف شورت ترم داره و هنگام شکست آن دیسپلیسمنت قابل مشاهده میباشد (کندل های متوالی) که MSS ما را تایید میکند. در نتیجه روی بریکر بلاک معامله را ست میکنیم و استاپ آن را پشت منشا کندلی که fvg تولید کرده میگذاریم و تارگت توصیه شده برای شروع ریوارد ۳ میباشد و نه نقدینگی مقابل.

جلسه چهارم (رونمایی ستاپ):

کارمون خیلی راحت فقط نیاز به تسلط کامل به مطالب توضیح داده شده داریم. همونطور که توضیح دادیم

ستاپ ما به شدت تایم محوره. یعنی در یک سری تایم های بخصوص در روز دنبالش هستیم.

{لندن: ساعت ۲ الی ۵ نیویورک: ساعت ۷ الی ۱۰ و با بازه های زمانی دیگه کاری نداریم.

مبدا 4 - UTC}

سه بازه زمانی بسیار مهم داریم که در ادامه بیان میشه.

کارهایی که باید انجام دهیم:

۱. مشخص کردن Open روز (این ساعت 00:00) به وقت نیویورک (4 - UTC) و ادامه آن تا انتهای

روز.

۲. مشخص کردن بازه های زمانی مهم معاملاتی مون که عبارتند از: ساعت ۳ الی ۴ و ۱۰ الی ۱۱ و

دیگر ۱۴ الی ۱۵ (به وقت نیویورک 4 - UTC) {کلا برای استفاده از این ستاپ مبدا زمانی نیویورک

است}

۳. Draw On Liquidity:

جهت نقدینگی ای که قیمت میخواد به سمتش برود را DOL میگویند. از چه طریقی میتوانیم

تشخیص دهیم قیمت به کدام سمت از نقدینگی ها میخواد حرکت کند؟

*قیمت میدنایت این نیویورک:

بالای این به دنبال سل باید باشیم و زیر این به دنبال بای

{ نکته: ترجیحا در ابتدای کار اگر در تایم اول معامله مون رو گرفتیم دیگه نیازی نیست در تایم دوم و سوم

معامله کنیم. نظم و دیسیلین معاملاتی را اهرم سودده بودن خود کنید}

مثال معاملاتی:

Eur/usd در تایم فریم یک دقیقه (تایم معاملاتی اول چهارده اکتبر):



در تایم معاملاتی اول قیمت خودش را به زیر میدنایت اپن رسانده و نقدینگی مصرف کرده است پس هدف قیمت به سمت بالا میباشد و به دنبال بای خواهیم بود.

پس از تشخیص سوئینگ های intermediate و شکست آن به همراه دیسپلیسمنت نوع برگشت را تشخیص میدهیم که به شکل فیلیر سوئینگ بوده است. پس لازم است با استفاده از آرایه پرمیوم/دیسکانت به دنبال آرایه معاملاتی در ناحیه ارزنده بگردیم که در مثال یک fvg میباشد. روی fvg معامله ست میکنیم و استاپ آن را پشت کندل ایجاد کننده fvg میگذاریم. تارگت اول ما ریوارد ۳ میباشد که در آن ریسک فری میکنیم و تارگت دوم سطح نقدینگی مقابل. {به همین راحتی همیشه یک پوزیشن خوب در مارکت داریم}

معامله تایم دوم:



میبینیم که نقدینگی بای شاید مصرف شده و حرکت به سمت نقدینگی سل شاید در حال حرکت است. توجه میکنیم که حرکت حرکت قیمت fvg میباشد. اگر توانستیم معامله fvg را بگیریم اگر نه مارکت همچنان سخاوتمند است و میتوانستیم از بلاک مشخص شده دوباره فروشنده باشیم و تارگت بگیریم.

معامله سوم:



میبینیم که یک بای شاید مصرف شده است و به دنبال سل میگردیم تاییدیه MSS را میگیریم و به دنبال آرایه مناسب برای معامله میگردیم که در این جا FVG میباشد. معامله را ست میکنیم و استاپ را پشت کندل FVG قرار میدهیم و تارگت اول را روی ریوارد ۳ قرار میدهیم و بعد از ۳ روی نقدینگی مقابل و ریسک فری میکنیم.

با توجه به ریوارد های گرفته شده از ستاپ در یک روز چالش اول قابل پاس شدن بود.



زیر میدنایت اپن هستیم و منتظر MSS میمانیم. در تایم یک دقیقه سقف intermediate نمیبینیم پس صبر میکنیم آخرین سوئینگ های فرکتالی که اومده برای ما کف پایین تر ساخته شکسته بشه که مشخص شده در تصویر که یک سوئینگ intermediate میباشد زیرا بر اساس یک immediate rebalance به وجود آمده (ایمیدیت ریبالانس یکی از مفاهیم مایکل است که در آموزش های بعدی آموزش داده خواهد شد.) اگر ایمیدیت را بلد نبودید از توضیح اول استفاده کنید.

نقطه ورود را توسط پرمیوم/ دیسکانت پیدا میکنیم. در ناحیه OTE یک اردر بلاک داریم که روی آن وارد میشویم. تارگت اول ریوارد ۳ بعد از آن ریسک فری و منتظر مصرف نقدینگی مقابل میمانیم.

معامله دوم:

{همیشه بگراند قیمت را در گذشته، زمانی که میخوایم معامله کنیم در نظر داشته باشید.}



در مورد مثال بالا در گذشته صحبت شد. با توجه به اینکه بالای میدنایت این بودیم و یک نقدینگی بای ساید را مصرف کرده ایم به دنبال فروش هستیم و در سه موقعیت ورود داشتیم. یکی بریکر دومی fvg و سوم این اردربلاک.

معامله سوم:

زیر این میدنایت هستیم و به دنبال بای هستیم. با استفاده از آرایه بلاک و fvg معامله میکنیم.



جلسه اصلاحیه ۴ (بررسی مثال های ۱۵ اکتبر):

نکته: بریکر زمانی ساخته میشود که یک سطح نقدینگی را پاک سازی کرده باشد.



در مثال بالا بریکر بلاک ساخته نشده چون نتوانسته سطح نقدینگی مشخص شده را پاک سازی کند. پس مثال ما مورد بریکر بلاک نیست و مورد فیلپیر سوئینگ است. {که در آینده میتونه LRLR نام بگیره}. یادآوری نکته مهم: بیان شده که اگر برگشت از نوع فیلپیر سوئینگ باشد قیمت تلاش میکند خود را به آرایه های پرمیوم/ دیسکانت زیر MSS برساند.



در حالت استفاده از پرمیوم/ دیسکانت هم میتوانیم از ناحیه OTE استفاده کنیم و هم میتوانیم در حوالی آن به دنبال آرایه های اردر بلاک و غیره بگردیم.

نکته: زمانی که ورود اول انجام میشه از آرایه های دیگر پرمیوم/ دیسکانت در جهت رسیدن به تارگت های نقدینگی بالاتر استفاده کنید و نقطه ورود مجدد بگیرید تا رسیدن به liq.

نکته: اولویت اصلی در بایاس گیری میدنایت اپن نیست بلکه نقدینگی ای است که باید پاکسازی شود.

تصویر واضحی از موقعیت معاملاتی در تایم دوم:



نکته: با تقسیم ریسک اصولی میتوانید هر سه این معاملات را بگیرید. بدانید اشتباه است که روی هر کدام این پوزیشن ها یک درصد ریسک کنید.

تصویر معامله سوم:



معامله لندن ۲۲ اکتبر روی eur/usd :



قیمت یک LRLR را مصرف کرده و حرکت به سمت نقدینگی ها سل شاید می باشد.

نکته: حتی اگر نمی توانید نقدینگی ها را به شکلی درست تشخیص دهید، مجبور نیستید همان ابتدای شروع زمان معاملاتی دست به معامله بزنید بگذارید قیمت کارش را انجام بدهد، سپس با اطلاعات بیشتری که بدست می آورید تصمیم گیری کنید.

پس از اتمام کندل های صعودی تشکیل یک دو سقف برابر میدهد که میدانیم لازم است شکسته شود پس به دنبال آرایه مناسب میگردیم که مشاهده میکنیم یک FVG در مسیر وجود دارد. قیمت با برخورد به FVG واکنش صعودی خود را آغاز میکند و هیچ کلوزی در ناحیه FVG اتفاق نمیافتد و نشان میدهد که ناحیه قوی میباشد.

ورود بر اساس ساخته شدن اردر بلاک و ۵۰ درصد بادی آن میباشد و استاپ بر اساس ستاپ GKS گذاشته شده است.

جلسه پنجم (ادامه مثال ها – پایان) :

ستاپ ما فقط مختص تایم فریم یک دقیقه نیست و میتوانیم در تایم فریم ۵ دقیقه هم ورود داشته باشیم.

(برای کسانی که در تایم فریم یک دقیقه ورود کردن سخت است)

اولین تایم ۱۶ اکتبر در EUR/USD :



سه سل شاید مصرف شده و تشکیل الگوی 3Drive داده و هدف قیمت به سمت بای ساید ها میباشد ضمن اینکه زیر سطح میدنایت این هم میباشیم.

سوئینگ های که شکسته میشود با جابه جایی تایم فریم intermediate بودنش را بررسی میکنیم. همچنین دیسپلیسمنت مشهود است و MSS ما ولید میباشد. هم بریکر بلاک داریم هم آرایه FVG که اینجا FVG را مد نظر داریم.

نکته: با رسیدن قیمت به آرایه ای که مد نظر داریم نباید انتظار یک واکنش سریع داشته باشیم و با دیدن رنج زدن در حوالی ناحیه مون نباید بترسیم و فکر کنیم قرار است نقدینگی زیر آن جمع آوری شود.

نکته ای که خیلی مهم است این است که قیمت نباید بدنه و بادی ای را پشت محدوده ببینید اگر این اتفاق بیافتد محدوده ما از بین رفته است.



مانند تصویر بالا که قیمت زیر ناحیه FVG بدنه و کلوزی را ثبت نکرده است.



معامله به صورت شکل بالا قرار داده میشود و ریبوارد ۳ کاملاً سیف و امن تاج میشود.

نکته: فراموش نشود که گرفتن لگ به لگ حرکت های مارکت هنر نیست و کافی است که با یک ستاپ سودمون رو از مارکت بگیریم و با مارکت خداحافظی کنیم.

{همیشه کانتکس مارکت قبل از تایم معاملاتی را در نظر داشته باشید}

یادآوری نکته: در نواحی فیلپیر سوئینگ لازم است دنبال SMT بگردیم و SMT های درست در این نواحی اتفاق میافتد.

دومین تایم ۱۶ اکتبر:



با رسیدن به تایم معاملاتیمون بررسی میکنیم که چه اتفاقی افتاده و به دنبال آرایه مناسب میگردیم که یک اردر بلاک سه کندلی تشکیل شده که ورودمون رو روی کف اردر بلاک میگذاریم و استاپ رو پشت کندلی که منجر به fvg (گپ) شده است و به راحتی یک ریوارد ۳ میگیریم.

ریوارد ۳ ریواردیست که باید بگیریم و نیازی نیست بترسیم از اینکه مصرف شده نقدینگی ای و تارگتمون تاج همیشه.

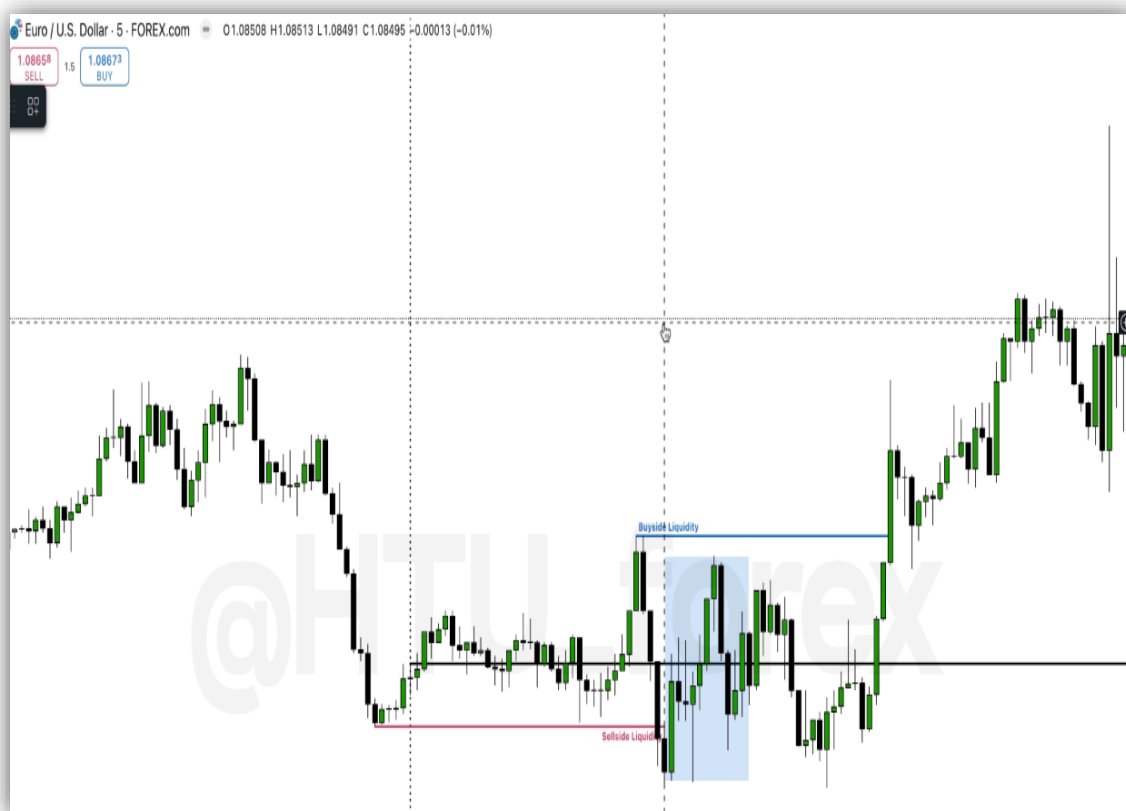
تایم سوم ۱۶ اکتبر:



در تایم سوم با مسائلی که یاد گرفتیم نمیتونیم ریزش را تشخیص دهیم ولی با کانسپت های پیشرفته ریزش قابل تشخیص میباشد. پس با این وجود در تایم سوم معامله ای نخواهیم داشت.

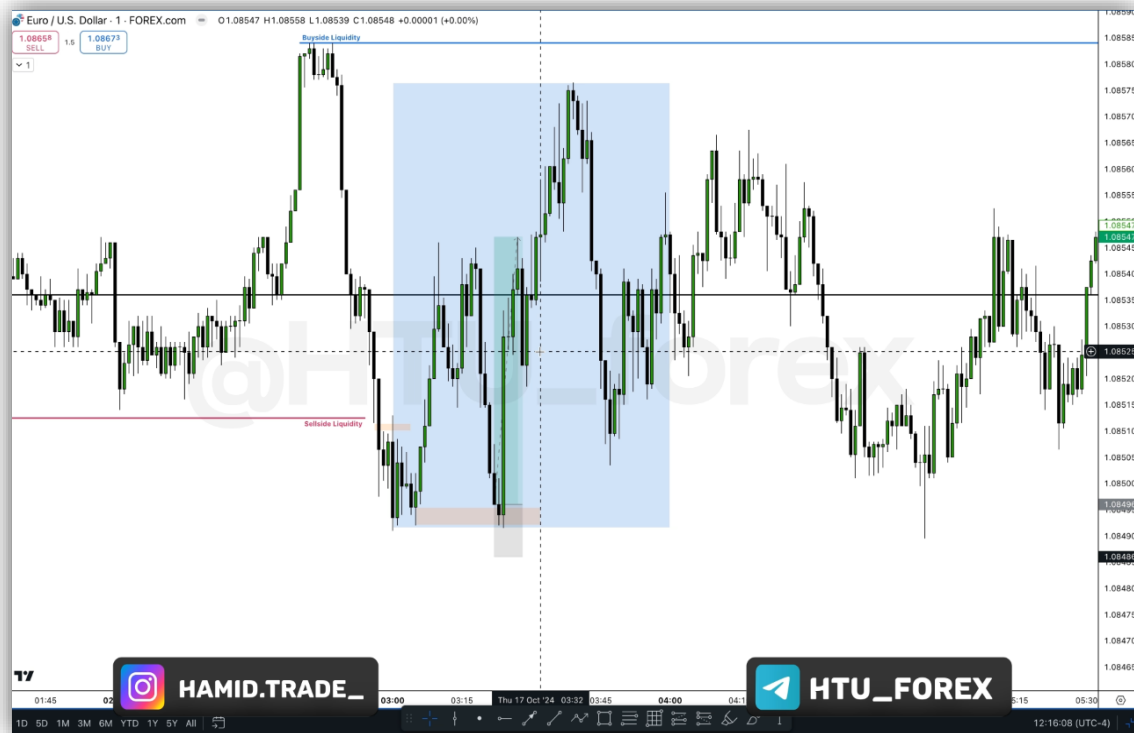
نکته: مجبور به معامله نیستیم هیچوقت

تایم اول ۱۷ اکتبر (تایم فریم همچنان ۵ دقیقه):



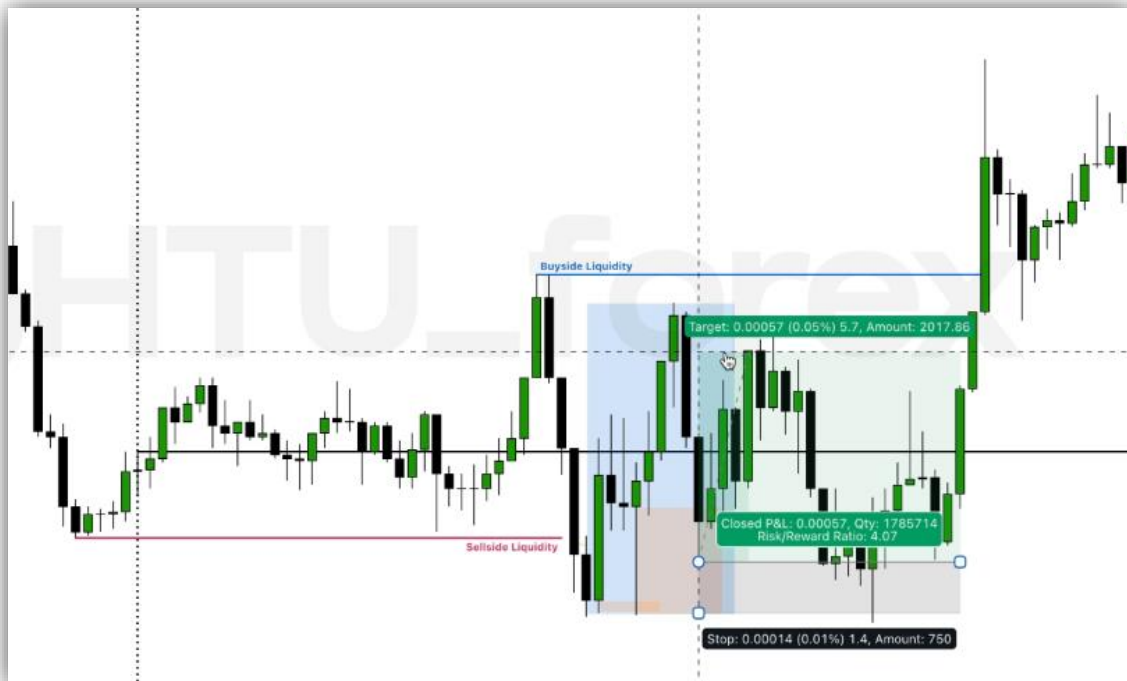
میبینیم که یک سل شاید مصرف شده است اما هیچ MMS ای را مشاهده نمیکنیم. توجه داشته باشیم که تایم فریم های ۵ و ۱۵ دقیقه این محدودیت رو هم میتونند داشته باشند زیرا اگر به تایم فریم یک دقیقه بریم MMS قابل مشاهده خواهد بود. و میتونیم نقطه ورود خیلی تمیزی بگیریم.

نقطه ورود در تایم فریم یک دقیقه:



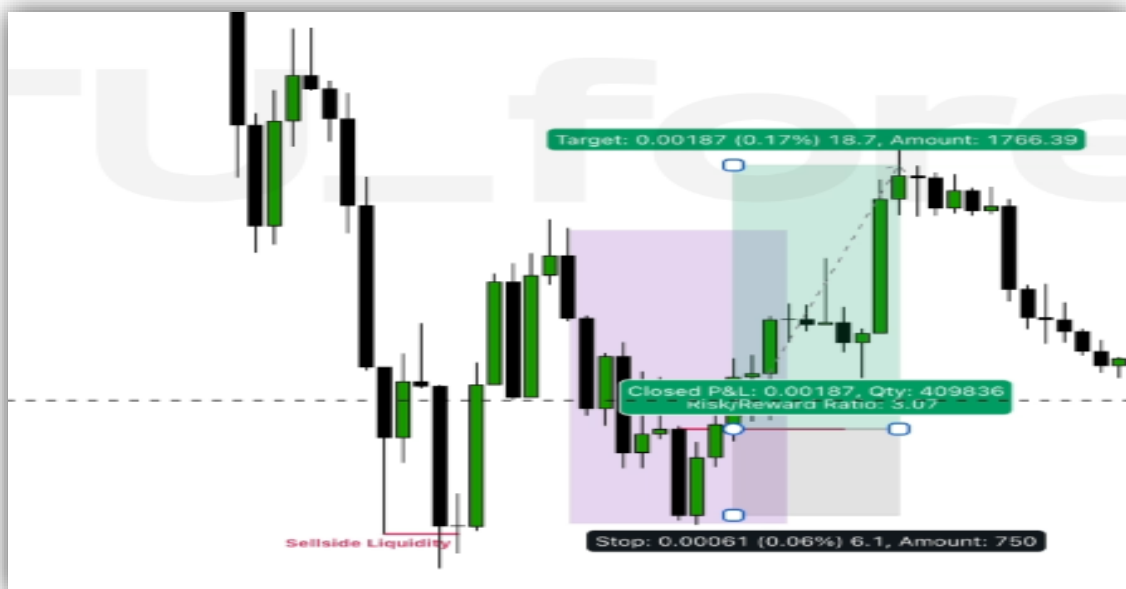
نقطه ورود در ناحیه ریجکشن بلاک یک دقیقه و حرکت به سمت تارگت در کمتر از دقیقه.

ورود در ۵ دقیقه:



نقطه ورود در ۵۰ درصد لانگ شدو (ریجکشن بلاک) و گرفتن ریوارد ۳ بدون هیچ دردسر و بهانه ای.

تایم بعدی (۱۰ الی ۱۱):



با مصرف سل ساید و زیر میدنایت این بودن میفهمیم که باید به دنبال بای باشیم و ورود به شکلی که مشخص گردیده انجام میشود (روی این اردر بلاکی که بعد از واکنش به ناحیه BPR شکل گرفته است)

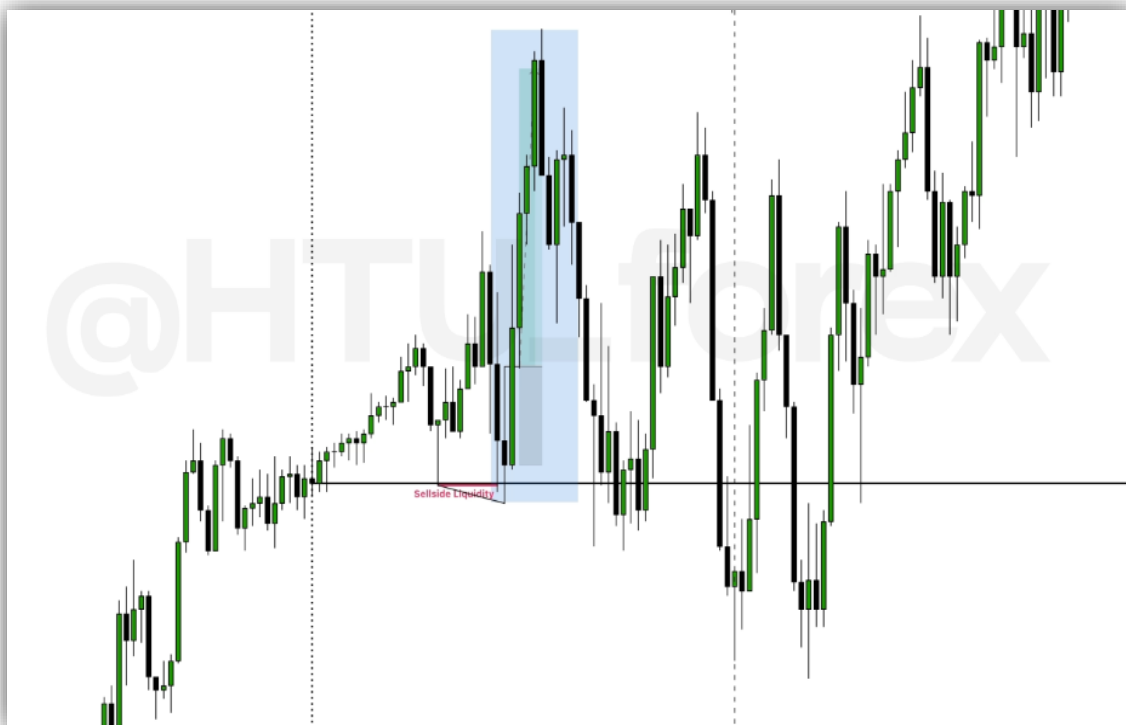
تایم سوم:



با مصرف یک سل ساید و اتفاق افتادن MSS به دنبال بای در نواحی مناسب خواهیم بود که ورود ما روی اردر بلاک تشکیل شده و ریوارد تا نقدینگی مقابل میباشد که به ریوارد ۳ با اختلاف کمی نرسیده است. لازم به تذکر است که در PM Session به دنبال حرکت های بزرگ نباید باشیم و با رسیدن به تارگت نقدینگی خروج کنیم.

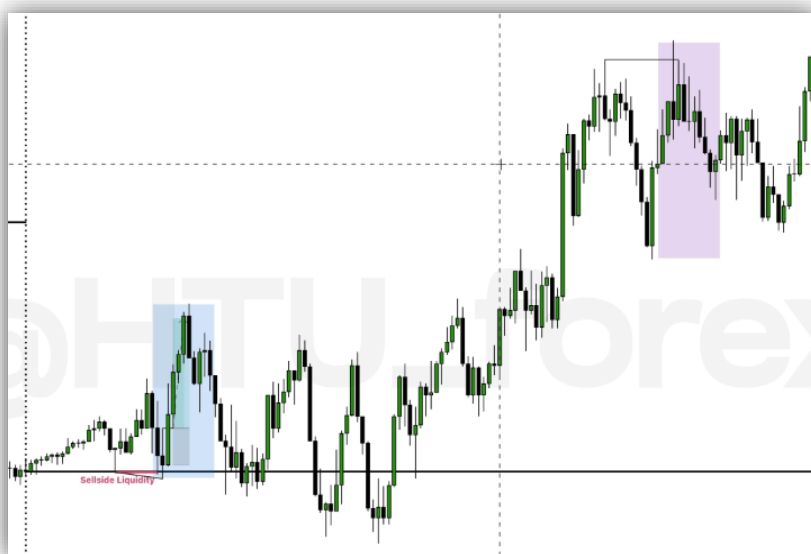
تکرار نکته مهم: پس از پاکسازی نقدینگی باید به دنبال SMT بگردیم و این حرف خالق ICT مایکل می باشد.
هر جایی به دنبال SMT نگردید.

تایم اول ۱۸ اکتبر (جمعه):



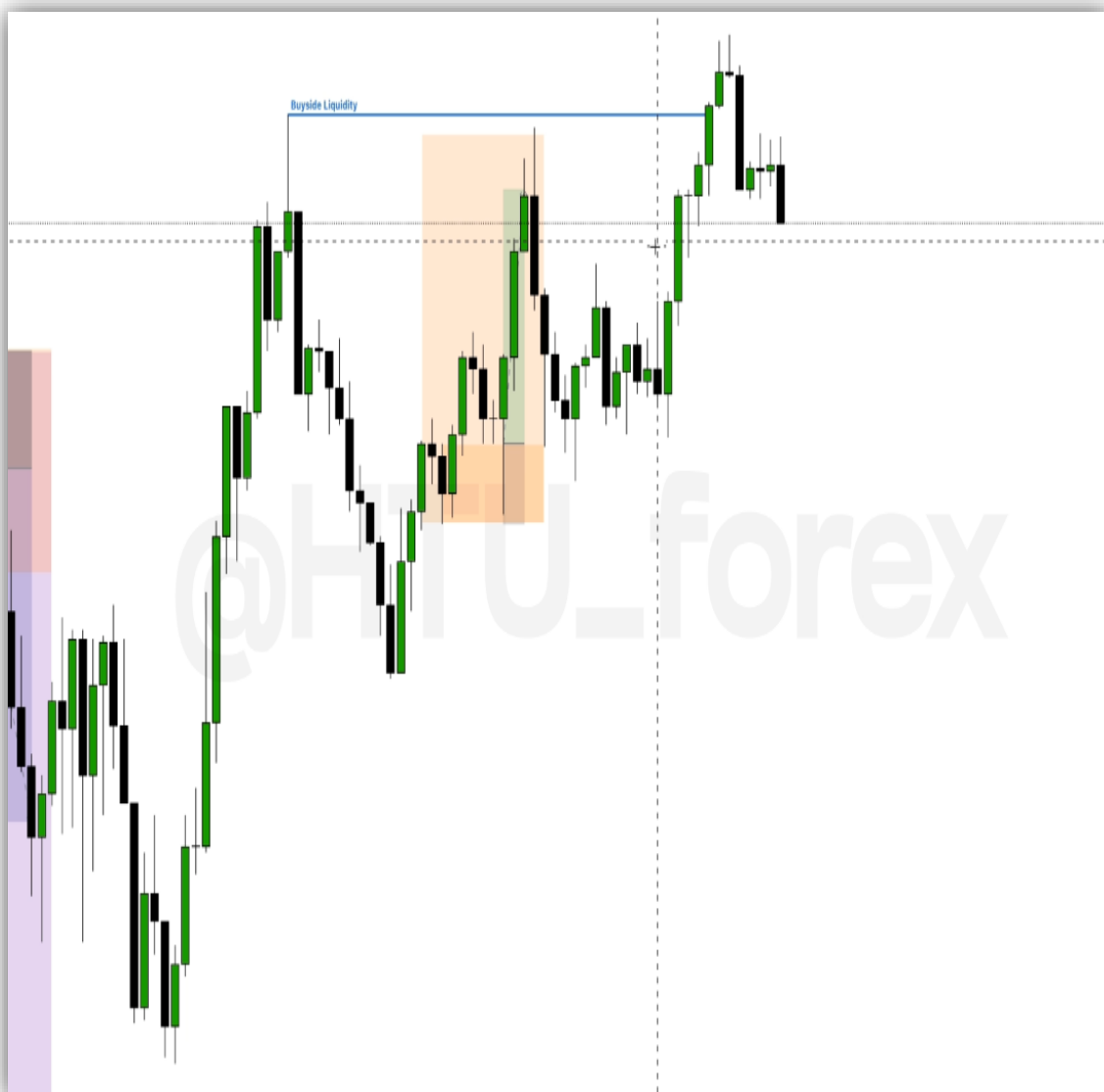
قیمت با مصرف یک سل ساید به زیر میدنایت اپن رفته و به بالا برگشته که این ها نشانه حرکت به سمت بای ساید می باشد. پس از تشکیل اردر بلاک نقطه ورود روی آن و استاپ پشت کندل FVG و ریوارد ۳ به راحتی تاج میشود.

تایم دوم:

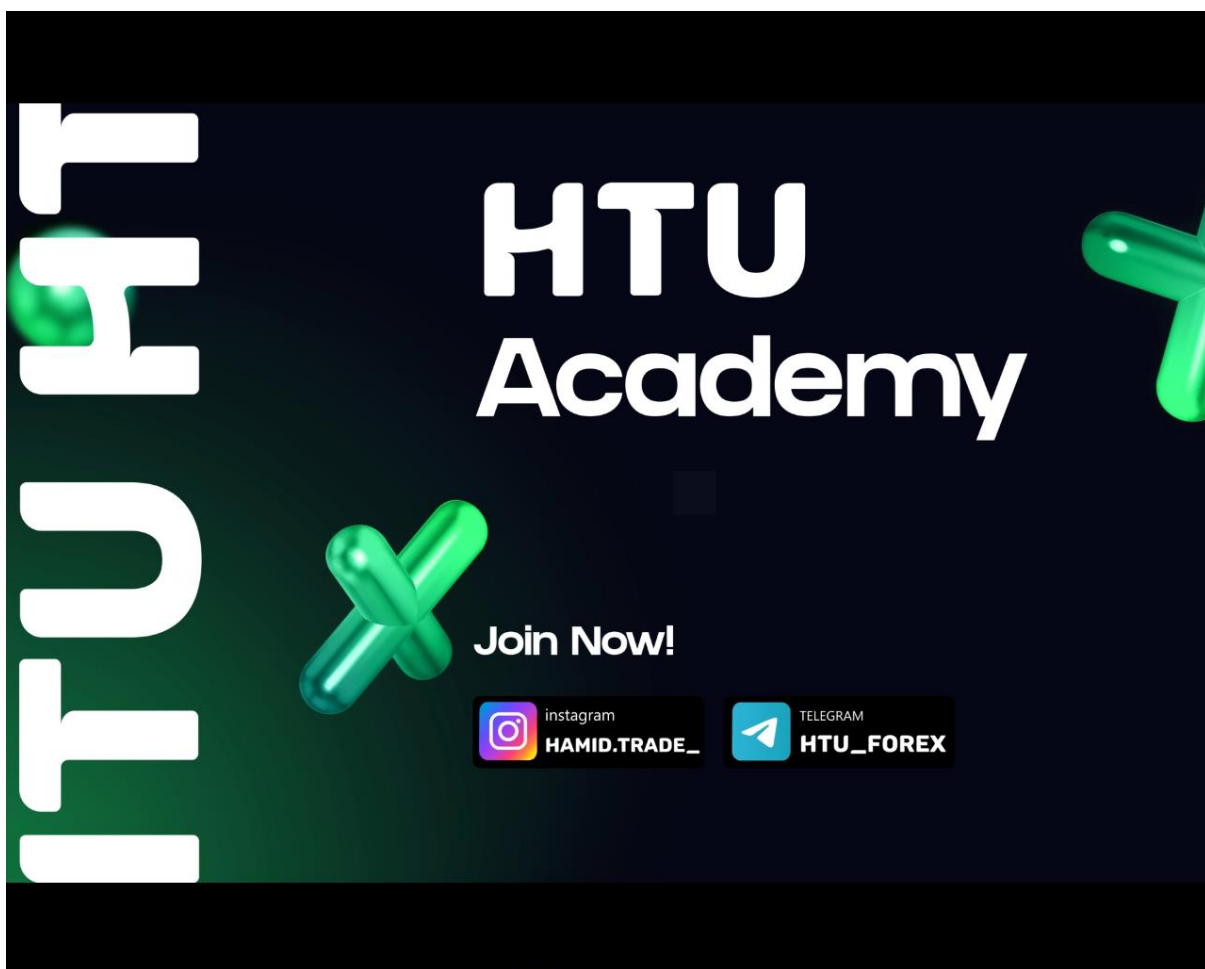


به وضوح یک بای ساید مصرف شده است و بالای میدنایت اپن هستیم و به دنبال فروش میگردیم. با مشاهده لانگ شدو در سطح ۵۰ درصد آن ورود کرده و با ریوارد سه خارج میشویم.

تایم سوم:



با توجه به کشش نقدینگی که به سمت بالا می باشد و اتفاق افتادن یک لانگ شدو می توانستیم بای بگیریم یا روی اردر بلاکی که در تصویر مشخص شده است و با ریوارد ۳ خارج شد ولی همچنان بیان میشود که نیازی به معاملات دوم و سوم نداریم اگر در تایم اول تارگت گرفته بودیم.



پایان

ARN